مکتب نوین روانشناسی قومیت و نقش آن در حل مسائل اجتماعی جوامع چندقومیتی

نویسنده:مهدی محمدی نهند

کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی بالینی – دانشگاه تبریز**

چکیده

با توجه به پیچیدگی‌های جوامع چندقومیتی، نیاز به رویکردهای نوین در روانشناسی برای فهم و مدیریت مسائل اجتماعی این جوامع بیش از پیش احساس می‌شود. مقاله حاضر با تأکید بر «مکتب نوین روانشناسی قومیت» به معرفی مبانی نظری، بنیان‌های روش‌شناختی و کارکردهای کاربردی این مکتب می‌پردازد و نقش آن را در حل مسائل اجتماعی نظیر تعارضات قومی، هویت‌یابی، و انسجام اجتماعی تحلیل می‌کند. یافته‌های نظری نشان می‌دهند که اتخاذ این رویکرد می‌تواند ظرفیت بالایی برای کاهش تعارضات، ارتقاء سرمایه اجتماعی و تقویت سیاست‌گذاری علمی در ایران و سایر جوامع مشابه ایجاد کند.

1. **کلیدواژه‌ها**: روانشناسی قومیت، مکتب نوین، هویت قومی، تعارضات اجتماعی، سرمایه اجتماعی

مقدمه

در جهان معاصر، مسئله اقوام و تنوع قومی از مهم‌ترین چالش‌ها و فرصت‌های اجتماعی ـ روانشناختی به‌شمار می‌آید. ضعف نظریه‌پردازی، پرداخت سطحی و بعضاً ایدئولوژیک، و عدم بومی‌سازی رویکردهای خارجی باعث شده است پدیده قومیت در ایران تحلیل‌هایی ناقص و غیرکاربردی داشته باشد. «مکتب نوین روانشناسی قومیت» با هدف ارائه مدلی علمی، جامع و بومی تعریف می‌شود؛ مدلی که ضمن نقد رویکردهای قبلی، تعاملات میان قومی را در بستر ساختارهای روان‌شناختی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تحلیل می‌کند.

مروری بر دیدگاه‌های پیشین

تا کنون مطالعات داخلی و خارجی عمدتاً بر دو مبنا تمرکز داشته‌اند:

۱. رویکرد آسیب‌شناسانه (بزرگ‌نمایی مشکلات، تعارضات و مسائل روانی اقلیت‌ها)

۲. رویکرد انکارگرایانه (نادیده گرفتن تفاوت‌های قومی، تحمیل یک الگو و سیاست تک‌فرهنگی)

هر دو رویکرد بالا ضعف‌های جدی دارند؛ از جمله نادیده گرفتن سرمایه اجتماعی بالقوه در تنوع قومی و پاسخگو نبودن به مسائل واقعی کنش‌گران در بستر زندگی روزمره.

مبانی نظری «مکتب نوین روانشناسی قومیت»

این مکتب بر چهار پایه اصلی استوار است:

1. اهمیت خودآگاهی قومی: هویت فردی و جمعی، درک تفاوت‌ها و احترام متقابل باید محور تحلیل‌ها باشد.

2. تحلیل چندعاملی: بررسی همزمان نقش عوامل روان‌شناختی، اجتماعی، اقتصادی و تاریخی در رفتارهای فردی و گروهی.

3. نگاه فرآیندی و پویایی‌شناسی:باور به تغییرپذیری هویت‌ها و روابط قومی و ضرورت سیاست‌های تطبیقی.

4. تمایز میان «تعارض» و «رقابت»: تأکید بر مدیریت و هدایت مثبت اختلافات، نه سرکوب یا انکار آن‌ها.

روش‌شناسی

مکتب نوین روانشناسی قومیت از روش‌های ترکیبی (کمّی و کیفی)، مطالعات میدانی، تحلیل پرونده‌های بومی و داده‌برداری تجربی بهره می‌برد. تاکید ویژه بر تحلیل‌های تطبیقی میان اقوام ایرانی و همچنین مطالعات بین‌المللی مشابه در زمینه مدیریت تعارضات قومی وجود دارد.

یافته‌ها و کاربردها

- کاهش تعارضات اجتماعی: با آموزش مهارت‌های ارتباط بین‌فرهنگی و پرورش سواد قومیتی، می‌توان میزان سوءتفاهم و تنش را کاهش داد.

- تقویت سرمایه اجتماعی:همکاری بین‌قومی با سیاست‌های شناسایی و حمایت از تفاوت‌ها، منجر به سرمایه فرهنگی و اعتماد عمومی بالاتر می‌شود.

- راهبردهای نوین سیاست‌گذاری: طراحی الگوهای مشارکتی و تصمیم‌سازی تلفیقی متناسب با ویژگی‌های بومی.

- توسعه منابع انسانی: شناسایی و پرورش استعدادهای قومی به‌عنوان ثروت اجتماعی و عامل پیشرفت ملی.

نقد رویکردهای قبلی و تمایزهای مکتب نوین

مکتب نوین روانشناسی قومیت ضمن نقد رویکردهای افراطی (چه قوم‌محورانه، چه یکسان‌سازی)، الگوی جدیدی مبتنی بر «تعامل انتقادی» پیشنهاد می‌دهد:

- ارج‌گذاری به میراث بومی هر قوم،

- احترام به زبان، مذهب و فرهنگ خاص،

- پرهیز از کلیشه‌سازی و برچسب‌زنی منفی،

- ایجاد سازوکارهای مشارکت فعال نخبگان اقوام در سیاست‌گذاری،

- و تاکید بر شفافیت و عدالت اجتماعی.

نتیجه‌گیری

رویکرد مکتب نوین روانشناسی قومیت، پاسخی علمی و بومی به مهم‌ترین مسائل اجتماعی جوامع ایران و مناطقی با تنوع قومی است و می‌تواند الگوی الهام‌بخشی برای سیاست‌گذاران، پژوهشگران، مدیران اجتماعی و نخبگان مدنی سایر کشورها باشد.

منابع

1. منصوری، محمدرضا (۱۳۹۶). روانشناسی اقوام و هویت فرهنگی در ایران. تهران: نشر نی.

2. حسینی، زهرا؛ اکبری، علی (۱۳۹۸). بررسی هویت قومی و نقش آن در انسجام یا تعارض اجتماعی جوامع ایران. فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران، ۵(۲)، ۵۵-۷۰.

3. شرفکندی، حمید (۱۳۹۵). هویت قومی، روانشناسی اجتماعی و انسجام ملی. فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۲۶(۳)، ۸۸-۱۰۵.

4. نعمتی، رضا؛ سلیمی، فاطمه (۱۳۹۴). سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر مدیریت تعارضات قومی در ایران. پژوهشنامه سیاست فرهنگی، ۷(۱)، ۳۰-۴۹.

5. یوسفی، محمود (۱۴۰۰). کاربرد روانشناسی فرهنگی در حل مسائل اجتماعی اقوام ایرانی. فصلنامه روانشناسی معاصر ایران، ۱۵(۱)، ۲۲-۳۸.